



شرایط تحقق جنایت جنگی از طریق ارتکاب جرایم جنسی

دکتر رضا فانی^۱، یاسر نخعی^۲

چکیده

دیوان کیفری بین‌المللی سه دسته از جرایم مهم را ذیل عناوین نسل‌زدایی، جنایت علیه بشریت و جنایت جنگی در اساسنامه رم جرم‌نگاری نموده است. جنایات جنسی به عنوان یکی از عناصر مادی قابل ارتکاب در هر سه جرم، ذکر شده‌اند. تجاوز به عنف، بردگی جنسی، حاملگی اجباری، عقیم‌سازی اجباری، فحش‌های اجباری و هر شکل از خشونت همسنگ با آن‌ها، اشکال مختلف جرایم جنسی در اساسنامه رم می‌باشند. جنایات جنگی جنایاتی هستند که برخلاف حقوق بشردوستانه بین‌المللی در مشخصات مسلحانه واقع می‌شوند. مطابق با این حقوق در رفتار متخاصمان باید سه اصل ضرورت، انسانیت و مروت حاکم باشد. در این تحقیق با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی تلاش می‌شود تا شرایط لازم برای تحقق جرایم جنسی در صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی که تحت عنوان جنایت جنگی جرم‌نگاری می‌شوند، مورد بررسی قرار بگیرد.

کلید واژه: جرایم جنسی، جنایت جنگی، دیوان کیفری بین‌المللی.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

^۱ وکیل پایه یک دادگستری و استادیار گروه حقوق، دانشگاه شهید مدنی آذربایجان، تبریز، ایران. (نویسنده مسؤول)

drfaani58@gmail.com

^۲ دانشجوی دکتری تخصصی، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران
yaser.nakhaei@iau.ac.ir

مقدمه

از زمانی که در منشور ملل متحد زیستن در حال صلح و متحدشدن برای نگهبانی از صلح و امنیت بین‌المللی و نیل به پیشرفت اقتصادی و اجتماعی هدف مشترک اعلام شد، تاکنون بیش از یکصد جنگ بین‌المللی و داخلی روی داده‌اند که غیر از تلفات مادی و نابودی میلیون‌ها انسان، اساس آن صلح و پیشرفت را از بیخ و بن برکنده است. (ممتاز و رنجبریان، ۱۳۸۷: ۱۵) در حقوق بین‌الملل، جنگ شیوه اجبار همراه با اعمال قدرت و زور است که می‌توان آن را از نظر حقوقی چنین تعریف کرد: جنگ به عنوان ابزار سیاست ملی مجموعه عملیات و اقدامات قهرآمیز مسلحانه‌ای است که در چهارچوب مناسبات کشورها (دو یا چند کشور) روی می‌دهد و موجب اجرای قواعد خاصی در کل مناسبات آن‌ها با یکدیگر و همچنین با کشورهای ثالث می‌شود. در این جهت حداقل یکی از طرفین مخاصمه درصدد تحمیل نقطه‌نظرهای سیاسی خویش بر دیگری است. به این ترتیب عملیات قهرآمیز مسلحانه وسیله و هدف تحمیل اراده مهاجم است. (ضیایی بیگدلی، ۱۳۸۰: ۴۵)

جنايات جنگی جنایاتی هستند که برخلاف حقوق بشردوستانه بین‌المللی در مخاصمات مسلحانه واقع می‌شوند. مطابق با این حقوق در رفتار متخاصمین باید سه اصل حاکم باشد: ضرورت، انسانیت و مروت. "اصل ضرورت" ایجاب می‌کند که تنها رفتار ضروری برای دستیابی به پیروزی مجاز باشد. به عبارت دیگر ضرورت تنها برای رسیدن به اهداف نظامی در میدان نبرد پیش‌بینی شده است نه در رابطه با اهداف سیاسی یا اهداف دیگر. "اصل انسانی بودن یا بشردوستانه بودن" میزان خشونت مجاز را از طریق ممنوع کردن اقدام غیرضروری یا افراطی تعیین خواهد کرد. "اصل مروت" اقتضا می‌کند دشمنان در رفتار با هم انصاف و احترام متقابل را رعایت کنند. بنابراین استفاده از وسایل و شیوه‌های جنگی غیر شرافتمندانه مانند نقض عهد، استفاده ناشایست از علایم مورد حمایت در حین حمله و عدم پذیرش امان‌خواهی ممنوع است. (کیتی چایساری، ۱۳۸۹: ۸۹)

اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی فهرست جامعی از جنایات جنگی ارائه می‌دهد. بند ۱ ماده ۸ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی اشعار می‌دارد، دیوان کیفری بین‌المللی نسبت به جنایات جنگی به ویژه وقتی این جنایات به عنوان بخشی از یک برنامه یا سیاست عمومی یا در چهارچوب ارتکاب گسترده واقع شده باشند، صلاحیت خواهد داشت. هدف این شرط جلوگیری از تحمیل دعاوی کوچک و موردی به دیوان کیفری بین‌المللی است. (کیتی چایساری، ۱۳۸۹: ۱۹۲)

به موجب اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی جنایات جنگی به چهار دسته عمده تقسیم می‌شوند: دسته اول جنایات جنگی در مخاصمات مسلحانه بین‌المللی مندرج در قسمت الف ماده ۸(۲) که نقض فاحش کنوانسیون‌های ژنو را جرم می‌شناسد؛ دسته دوم جنایات مندرج در قسمت ب بند ۲ ماده ۸ که سایر نقض‌های فاحش قوانین و عرف‌های مسلم حقوق بین‌الملل و حاکم بر مخاصمات مسلحانه

بین‌المللی را جرم می‌داند؛ دسته سوم جنایات جنگی در مخاصمات مسلحانه غیر بین‌المللی مندرج در قسمت ج ماده ۸ (۲) که نقض فاحش ماده ۳ مشترک کنوانسیون‌های ژنو را جرم می‌شناسد؛ دسته چهارم جرایم مندرج در قسمت هـ ماده ۸ (۲) که دیگر نقض‌های فاحش قوانین و عرف‌های قابل اجرا در مخاصمات مسلحانه غیر بین‌المللی در چهارچوب تعیین شده در حقوق بین‌الملل را جرم‌انگاری کرده است. (احمدنیا و احمدنیا، ۱۴۰۰: ۲۲)

یک مخاصمه هنگامی بین‌المللی است که بین دو یا چند کشور واقع شود اما مخاصمه مسلحانه غیر بین‌المللی عبارت است از یک مخاصمه مسلحانه طولانی مدت بین مقامات دولتی و گروه‌های مسلح سازمان‌یافته یا میان چنین گروه‌هایی با یکدیگر در داخل یک کشور؛ با این حال ناآرامی‌ها و تنش‌های داخلی، شورش‌های سازمان‌یافته و کوتاه‌مدت، راهزنی و فعالیت تروریستی تابع حقوق بشردوستانه بین‌المللی نیستند. (کیتی چایساری، ۱۳۸۹: ۲۰۰) همچنین یک مخاصمه مسلحانه داخلی که در قلمرو یک کشور واقع می‌شود می‌تواند بین‌المللی باشد یا بسته به اوضاع و احوال علاوه بر اینکه یک مخاصمه مسلحانه داخلی است خصیصه بین‌المللی نیز داشته باشد و آن جایی است که یک دولت دیگر با نیروهای خود در آن مخاصمه مداخله کند یا در صورتی که برخی از شرکت‌کنندگان در مخاصمه مسلحانه داخلی به نفع دولت دیگر یا از طرف دولت دیگر اقدام کنند. در صورت وجود شرایط قانونی لازم نیروهای مسلح در یک نبرد به ظاهر داخلی ممکن است به عنوان عوامل یک دولت خارجی شناخته شوند و بدین طریق یک مخاصمه بین‌المللی شناخته شود چرا که در این صورت فرض بر این است که یک دولت در حال استفاده از زور علیه دولت دیگر است. (کیتی چایساری، ۱۳۸۹: ۱۹۶)

بر این اساس مخاصمه مسلحانه غیر بین‌المللی همان‌طور که از نامش برمی‌آید از آنجا از مخاصمات بین‌المللی متمایز می‌شود که نه میان دو یا چند دولت بلکه منحصراً در داخل خاک تنها یک دولت درمی‌گیرد که اغلب اوقات منازعه‌ای است بین حکومت و گروه یا گروه‌هایی که به معارضه مسلحانه با آن برخاسته‌اند. یعنی گاه دست بردن عده‌ای از افراد به سلاح به منظور دگرگونی ساختار سیاسی در جامعه‌ای است که از راه‌های متعارف و منطبق با قانون اساسی میسر نمی‌باشد. (ممتاز و رنجبریان، ۱۳۸۷: ۱۶)

به هنگام تأسیس دیوان بین‌المللی کیفری، اساسنامه رم مصوب ۱۹۹۸ مانند اساسنامه‌های محاکم بین‌المللی کیفری یوگسلاوی سابق و رواندا و پیش‌نویس کمیسیون حقوق بین‌الملل با استناد به دو گروه مختلف از قواعد یعنی کنوانسیون‌های ژنو به جز پروتکل‌های الحاقی (جزء الف) و (ج) بند (۲) اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری و حقوق بشردوستانه بین‌المللی (از جمله قوانین و عرف‌های جنگی) جنایات جنگی را تحت صلاحیت دیوان تعریف می‌نماید. در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی جنایات جنگی تنها

در ماده ۸ که طولانی ترین مقررات از میان سه مقررات مربوط به جنایات در اساسنامه (ماده ۶، ماده ۷ و ماده ۸) می باشد، تعریف شده است.

ماده ۸ اساسنامه مذکور (شق (۲۲) جزء (ب) بند (۲) و شق (۶) جزء (ه) بند (۲)) تنها سند بین المللی است که به صراحت جنایات خشونت جنسی اعم از تجاوز به عنف، بردگی جنسی، حاملگی اجباری، عقیم سازی اجباری، فحشای اجباری و هر شکل از خشونت همسنگ با آنها به لحاظ شدت را جزء جنایات جنگی برشمرده است اعم از اینکه در مخاصمات بین المللی یا در مخاصمات مسلحانه غیر بین المللی ارتکاب یافته باشند. (خاک، ۱۳۸۷: ۱۴۲)

جرایم جنسی در هر سه عنوان مجرمانه داخل در صلاحیت دیوان کیفری بین المللی یعنی نسل زدایی، جنایت علیه بشریت و جنایات جنگی وجود دارند. بنابراین اگر تمام جرایم جنسی مطرح در ماده ۷ اساسنامه رم (جنایت علیه بشریت) در بطن درگیری های مسلحانه صورت بگیرد و مرتکب از شرایطی که وجود درگیری مسلحانه را ثابت کرده است، آگاهی داشته باشد، جنایت جنسی در قالب جنایت جنگی محقق شده است. در این تحقیق تلاش می شود تا جرایم جنسی در صلاحیت دیوان کیفری بین المللی که تحت عنوان جنایت جنگی جرم انگاری می شوند مورد بررسی قرار بگیرد.

۱- جنایات جنگی

جنایات جنگی جنایاتی هستند که برخلاف حقوق بشردوستانه بین المللی در مخاصمات مسلحانه واقع می شوند. مطابق با این حقوق در رفتار متخاصمین باید سه اصل حاکم باشد: ضرورت، انسانیت و مروت. "اصل ضرورت" ایجاب می کند که تنها رفتار ضروری برای دستیابی به پیروزی مجاز باشد. به عبارت دیگر ضرورت تنها برای رسیدن به اهداف نظامی در میدان نبرد پیش بینی شده است نه در رابطه با اهداف سیاسی یا اهداف دیگر. "اصل انسانی بودن یا بشردوستانه بودن" میزان خشونت مجاز را از طریق ممنوع کردن اقدام غیرضروری یا افراطی تعیین خواهد کرد. "اصل مروت" اقتضا می کند دشمنان در رفتار با هم انصاف و احترام متقابل را رعایت کنند. بنابراین استفاده از وسایل و شیوه های جنگی غیرشرافتمندانه مانند نقض عهد، استفاده ناشایست از علایم مورد حمایت در حین حمله و عدم پذیرش امان خواهی ممنوع است. (کیتی چایساری، ۱۳۸۹: ۸۹)

اساسنامه دیوان کیفری بین المللی فهرست جامعی از جنایات جنگی ارائه می دهد. بند ۱ ماده ۸ اساسنامه دیوان کیفری بین المللی اشعار می دارد، دیوان کیفری بین المللی نسبت به جنایت جنگی به ویژه وقتی این جنایات به عنوان بخشی از یک برنامه یا سیاست عمومی یا در چهارچوب ارتکاب گسترده واقع شده باشند، صلاحیت خواهد داشت. هدف این شرط جلوگیری از تحمیل دعاوی کوچک و موردی به دیوان کیفری بین المللی است. (کیتی چایساری، ۱۳۸۹: ۱۹۲)

جنایت جنگی به عنوان یکی از جرایمی که در صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی قرار دارد، برهم کنش‌هایی با دو جرم جنایت علیه بشریت و نسل‌زدایی دارد.

تفاوت اساسی بین جنایات جنگی و جنایات علیه بشریت این است که جنایات جنگی در زمان جنگ علیه اتباع سایر دولت‌ها ارتکاب می‌یابند، حال آنکه جنایات علیه بشریت علیه اتباع همان دولت مرتکب ارتکاب می‌یابند. با وجود این، نخستین بار منشور نورنبرگ در چهارچوب توسعه صلاحیتی‌اش گامی مترقیانه برداشت و اعلام کرد که قربانیان جنایات جنگی حتی در صورتی که تابعیت دولت مرتکب را داشته باشند، مورد حمایت قرار می‌گیرند. تفاوت دیگر این دو دسته جنایات این است که جنایات علیه بشریت صرفاً علیه یک گروه تحت حمایت ویژه و بر مبنای دلایل معین ارتکاب می‌یابد. (قدیر و کیخسروی، ۱۳۹۸: ۸۸)

جنایات علیه بشریت معمولاً به حکومت یا کشور در کل منتسب می‌گردند، در حالی که جنایات جنگی می‌توانند به شخصی خاص منتسب گردند. جنایات جنگی در مقایسه با جنایات علیه بشریت، ابعاد گسترده‌تری دارند. جنایات علیه بشریت اعمال خشونت‌باری هستند که یک گروه مشخص سیاسی، نژادی و مذهبی را مورد هدف قرار می‌دهند. جنایات جنگی اعمالی خشونت‌بارند که ممکن است گروهی مشخص را هدف قرار بدهند یا ندهند. (قدیر و کیخسروی، ۱۳۹۸: ۸۹)

جنایت نسل‌زدایی به موجب ماده ۶ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی ارتکاب اعمال مصرح در این ماده به قصد نابود کردن تمام یا قسمتی از یک گروه ملی، قومی، نژادی یا مذهبی می‌باشد. مشخصه اصلی که جنایت نسل‌زدایی را از جنایات جنگی تمیز می‌دهد این است که قصد مرتکب در خصوص نابودکردن تمام یا قسمتی از یک گروه ملی، مذهبی، قومی و نژادی باید اثبات گردد. دیوان کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق و دیوان کیفری بین‌المللی برای رواندا این مشخصه را قصد خاص جنایت نسل‌زدایی نامیده‌اند. در مورد جنایات جنگی چنین قصد خاصی متصور نیست. (قدیر و کیخسروی، ۱۳۹۸: ۳-۹۲)

به هنگام تأسیس دیوان بین‌المللی کیفری، اساسنامه رم مصوب ۱۹۹۸ مانند اساسنامه‌های محاکم بین‌المللی کیفری یوگسلاوی سابق و رواندا و پیش‌نویس کمیسیون حقوق بین‌الملل با استناد به دو گروه مختلف از قواعد یعنی کنوانسیون‌های ژنو به جز پروتکل‌های الحاقی (جزء الف) و (ج) بند (۲) اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری و حقوق بشردوستانه بین‌المللی (از جمله قوانین و عرف‌های جنگی) جنایات جنگی را تحت صلاحیت دیوان تعریف می‌نماید. در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی جنایات جنگی تنها در ماده ۸ که طولانی‌ترین مقررات از میان سه مقررات مربوط به جنایات در اساسنامه (ماده ۶، ماده ۷ و ماده ۸) می‌باشد، تعریف شده است.

۲- جرایم جنسی

در حقیقت خشونت علیه زنان موضوعی نیست که بتوان با اغماض از آن چشم پوشید، از آنجا که این موضوع چندلایه، سیستماتیک و گره خورده با فرهنگی به قدمت تمدن بشری است، هرگونه سکوت و یا غفلت به منزله دامن زدن به حیات و گسترش آن است. در زمان درگیری های جنگی، زنان به طور مشخصی در معرض تجاوز، بردگی و فاحشگی اجباری هستند؛ با وجود این که ارزیابی انگیزه در زمینه جرایم جنسی بسیار دشوار است اما "رودهیکا کوماراسوامی"^۱ اولین گزارشگر سازمان ملل متحد در زمینه خشونت علیه زنان توضیح می دهد که خشونت علیه زنان ممکن است به طور مستقیم مربوط به گروهی باشد که یک زن عضوی از آن است. به علت نهادینه شدن مفاهیم ناموسی و دیدگاه جامعه مردسالار مبتنی بر احساس مالکیت بر تمامیت بدن زنان و قرار دادن پاکی و شرافت یک زن در قالب جسم او، با تجاوز به زنان و هدف قرار دادن آن ها گویی به گروه یا جامعه ای که در آن است، توهین شده است و در حقیقت، گاهی قصد از تجاوز به یک زن، تحقیر آن گروه است.

به عبارتی در پرتو اعمال خشونت های جنسی به زنان یک گروه یا یک جامعه اهداف استراتژیک نهفته است و از این طریق به وحشت، تضعیف روحیه و قوای آن گروه پرداخته شده و بدین ترتیب قربانیان تجاوز، عامل شرمندگی و تحقیر جامعه خود محسوب می شوند، اما نکته حائز اهمیت آن است که در خشونت های جنسی در زمان جنگ، مانند سایر خشونت های جنسی دیگر، عمدتاً مردان به زنان تجاوز می کنند که این موضوع حاکی از اعمال قدرت مردان بر زنان و قدرت نمایی مفهوم "مردانگی" است، به نوعی این جنایت گویی برتری یک جنس بر جنس دیگر را نیز نشان می دهد. از طرف دیگر، عواقب این جنایات تنها در زمان جنگ خلاصه نمی شود بلکه پس از زمان جنگ نیز دیدگاه های مردسالارانه بر زندگی زنان رخنه کرده و سبب فروپاشیدگی روابط خانوادگی و عدم پذیرش آن ها در جوامع می شود این زنان نه تنها قربانیان زمان جنگ هستند، بلکه پس از پایان جنگ نیز قربانی دیدگاه های نظام مردسالار می باشند و نوعی لکه ننگ محسوب می شوند و همین امر، سبب می گردد که بسیاری از این زنان در حین مخاصمات مسلحانه یا پس از آن، توسط اعضای خانواده خود به قتل برسند. در مجموع، شاید نتوان ناعدالتی های جنسی را اولین هدف در زمینه این جنایات دانست، اما می توان اذعان داشت که این نابرابری ها، خشونت های جنسی را حتی پس از پایان جنگ ها عادی می نمایند. از آنجا که سکوت و سهل انگاری در مقابل این جنایات، شدت این فجایع را بیشتر می سازد؛ لذا بررسی بسترهای اجتماعی این موارد برای کاهش و یا رفع آنان در زمان صلح امری ضروری است. (پورهاشمی و چوبین، ۱۴۰۰: ۳-۱۲۲)

^۱. Radhika Coomarasawamy

جرم‌انگاری جنایات جنسی موضوعی نیست که به چند دهه گذشته مرتبط باشد بلکه قدمت آن به قرن گذشته بازمی‌گردد و حتی پیش از آن نیز در جوامع، عملی محکوم شده به حساب می‌آمده اما آن‌چه که در قانون ذکر می‌شود با آن‌چه در جامعه توان بازداري پیدا می‌کند، دو مورد متفاوت هستند. سازمان جهانی بهداشت هرگونه عمل جنسی، تلاش برای انجام عمل جنسی، نظرهای ناخواسته، تجارت جنسی یا اعمالی با ماهیت جنسی که خلاف تمایلات جنسی یک شخص و به واسطه زور و اجبار انجام شود را خشونت جنسی به حساب می‌آورد. زمان (WHO, 2011)

۳- گستره جنایات جنسی در حقوق بین‌الملل کیفری

اگرچه قوانین بین‌المللی کیفری، جنایات جنسی را طبقه‌بندی و عناصر مادی و معنوی آن‌ها را مشخص نموده‌اند و لیکن به علت رشد روزافزون فناوری‌ها و عوامل گوناگون دیگر همچون تروریسم و مهاجرت‌های غیرقانونی این جرایم به اشکال گوناگون دیگری نیز درآمده‌اند که در این طبقه‌بندی‌ها ممکن است گنجانده نشده باشند، برای مثال، مهاجرت‌های غیرقانونی نه تنها زندگی مهاجران را در معرض خطر جدی قرار می‌دهد بلکه اغلب با شدیدترین موارد نقض حقوق بشر، از جمله بردگی اجباری، استثمار جنسی و خشونت‌های مبتنی بر جنسیت نیز در ارتباط است. (Belcheva, 2021, 24) دیوان بین‌الملل کیفری این جرایم را تا حدود زیادی در اساسنامه خود گنجانده است، در بند دوم و چهارم ماده ۶، بند دوم (و) ماده ۷ و بند دوم (ب، ۲۲) ماده ۸ اساسنامه رم از جرایم تجاوز جنسی، برده‌گیری جنسی، فاحشگی اجباری، حاملگی اجباری، عقیم‌سازی اجباری یا هر خشونت جنسی دیگری که همسنگ با این موارد باشد، تحت عنوان جرایم جنسی یاد شده است که خود این جرایم نیز به ترتیب مواد، زیرمجموعه‌ای از جرایم نسل‌زدایی، جرایم علیه بشریت و جنایات جنگی می‌توانند باشند. خشونت جنسی در حقوق بین‌الملل کیفری را می‌توان بر اساس رأی صادره از دادگاه کیفری رواندا در پرونده "آکایسو"^۲ چنین تعریف کرد: "هر عملی که با خصیصه جنسی علیه شخصی در اوضاع و احوالی اجبارآمیز ارتکاب یافته باشد."

خشونت جنسی محدود به تهاجم فیزیکی علیه تمامیت جسمانی یک فرد نمی‌باشد و ممکن است شامل اعمالی گردد که عمل آمیزش جنسی و یا حتی کوچکترین تماس فیزیکی در آن دخیل نباشد. همچنان که شعبه رسیدگی کننده به پرونده آکایسو بر این امر صحنه گذاشته است. در این پرونده دادگاه بعد از این که بیان می‌کند خشونت جنسی محدود به تهاجم فیزیکی نمی‌باشد، اقدام به عریان کردن یک

^۱ سازمان بهداشت جهانی

^۲ Jean-Paul Akayesu

زن و اجبار وی به انجام حرکات ژیمناستیک - بدون این که لباسی بر تن داشته باشد - در محوطه عمومی و در حضور جمعیت، مصداقی از خشونت جنسی محسوب گردیده است.

دیوان کیفری رواندا در رأی صادره خود در پرونده "فرونزیزجا"^۱ در تبیین خشونت جنسی به طور صریح این مسأله را که در تحقق خشونت جنسی تماس فیزیکی شرط نیست، یادآور می شود: "خشونت مهم جنسی که حتی کمتر از آمیزش جنسی باشد، قابل مجازات است. این ممنوعیت کلیه موارد رفتار سوء و استفاده های نامشروع جنسی وارد آمده علیه تمامیت جسمانی، اخلاقی و معنوی یک شخص از راه اجبار، تهدید به کاربرد زور یا ارعاب را که به توهین و تحقیر شخصیت قربانی منجر گردد، دربرمی گیرد.

بر اساس پیش نویس اساسنامه دیوان کیفری بین المللی ۱۹۹۸ رم عناصر اصلی جرم خشونت جنسی عبارتند از: "لازم است مرتکب، با علف یا تهدید به توسل به زور یا از راه اجبار؛ مثلاً اجبار ناشی از ترس از خشونت، اکراه، توقیف، فشار روانی، سوءاستفاده از قدرت - خواه علیه مجنی علیه یا شخص ثالث - یا از راه بهره گیری از شرایط اجبارکننده محیط یا با سوء استفاده از عدم قابلیت مجنی علیه در اعلام رضایت واقعی خویش، عمل خصیصه جنسی علیه یک یا چند تن مرتکب شده یا موجب درگیرشدن شخص یا اشخاص مزبور در یک یا چند عمل با خصیصه ی جنسی گردیده است."

در مورد اوضاع و احوال اجبارآمیز باید گفت: "اثبات و احراز توسل مادی به زور لازم نیست. تهدیدهای لفظی، ارعاب، سوء استفاده از قدرت یا موقعیت برای وادار کردن قربانی به تسلیم و دیگر اشکال اکراه که بر پایه ترس یا احساس استیصال و درماندگی استوار است همگی می توانند از مصادیق اجبار باشند. علاوه بر این ها اجبار ممکن است از نفس وجود برخی موقعیت ها نظیر منازعه مسلحانه که قربانی جرم - اعم از زن یا مرد - در آن قرار می گیرد ناشی شده باشد." (اخگری بناب، ۱۳۸۸: ۵-۱۹۴)

۴- انواع جنایات جنسی در اساسنامه دیوان کیفری بین المللی

در اساسنامه دیوان کیفری بین المللی خشونت جنسی شامل تجاوز به علف، بردگی جنسی، فحشای اجباری، حاملگی اجباری، عقیم سازی اجباری و سایر اشکال خشونت جنسی همسنگ با آن از نظر شدت می باشد. (خاک، ۱۳۸۷: ۱۳۱)

^۱ furundzija

۴-۱- تجاوز جنسی^۱

هرگاه مرتکب جرم با رفتاری که منجر به نفوذ، هرچند ناچیز، به بدن یک شخص می شود به او حمله کرده باشد، جرم تجاوز صورت گرفته است. (Means of Proof, 2017, 23). عنصر مادی: این حمله در قالب نفوذ به هر قسمت از بدن قربانی، اندام جنسی، دهانه مقعد یا دستگاه تناسلی قربانی یا هر شیء یا هر قسمت از بدن مرتکب بایستی صورت گرفته باشد. این تهاجم بایستی به زور یا با تهدید به زور یا اجبار، مانند مواردی که ناشی از ترس از خشونت، اجبار، بازداشت، ستم روانی یا سوء استفاده از قدرت علیه شخصی یا شخص دیگری، یا با سوء استفاده از قرار گرفتن در یک فضای اجباری یا حمله به شخص انجام شود و در حقیقت، قربانی بایستی ناتوان از دادن رضایت واقعی باشد. عنصر معنوی: هدف و قصد مرتکب جرم بایستی حمله، یورش و تجاوز به بدن یک شخص بوده باشد و مرتکب باید نسبت به این که این حمله در روند عادی وقایع رخ خواهد داد، آگاهی داشته باشد. (Means of Proof, 2017, 23)

۴-۲- برده گیری جنسی^۲

هرگاه مرتکب جرم از همه یا بخشی از اختیارات مربوط به حق مالکیت بر یک یا چند نفر، مانند خرید، فروش، وام یا مبادله شخص یا اشخاصی یا سلب آزادی آن ها در مواردی مشابه استفاده کرده باشد، جرم برده گیری جنسی اتفاق افتاده است. عنصر مادی: برای تحقق این جرم، اعمال حق مالکیت، اعمال انواع کنترل ها بر روی شخص و استفاده یا تهدید به خشونت بایستی صورت گرفته باشد و همچنین، لازم است تا شخص در آن زمان نتوانسته باشد به صورت داوطلبانه تصمیم گیری نماید. به علاوه، مرتکب یا مرتکبین این جرم بایستی سبب آن شده باشند که قربانیان به یک یا چند عمل جنسی دست بزنند. عنصر معنوی: مرتکب بایستی قصد اعمال قدرت بر حق مالکیت یک یا چند نفر داشته باشد و سبب رفتاری شود که شخص یا اشخاصی دست به اقداماتی از نوع جنسی بزنند و از این مسأله که در جریان عادی حوادث، اقدامات جنسی صورت می گیرد، آگاهی داشته باشد. (Means of Proof, 2017, 41)

۴-۳- فاحشگی اجباری^۳

هرگاه شخصی باعث شود که با زور، تهدید به زور، اجبار، ترس از خشونت، فشار، بازداشت، ستم روانی یا سوء استفاده از قدرت، بهره گیری از یک فضای اجباری و عدم توانایی قربانی در ابراز رضایت واقعی، یک یا چند نفر به یک یا چند عمل جنسی دست بزنند، جرم فاحشگی اجباری محقق شده است. عنصر مادی: جرم

^۱. Rape

^۲. sexual slavery

^۳. enforced prostitution

بایستی در فضای اجبارگونه صورت گرفته و مرتکب یا شخص دیگری مزایایی ویژه یا سایر مزایا را در ازای اقدامات جنسی یا در ارتباط با آن به دست آورده باشد. عنصر معنوی: مرتکب بایستی قصد داشته باشد که سبب شرکت یک یا چند نفر در یک یا چند عمل جنسی شود و آگاهی داشته باشد که در پی روند عادی وقایع، این اتفاق خواهد افتاد. به علاوه، تحصیل مزایا توسط شخص مرتکب یا شخص دیگری یا آگاهی از امکان تحصیل مزایا نیز برای تحقق این جرم لازم است. (Means of Proof, 2017, 59)

۴-۴- حاملگی اجباری^۱

برای تحقق این جرم، مرتکب بایستی یک یا چند زن را که به زور باردار شده‌اند، به قصد تأثیر بر ترکیب قومی یک جمعیت و یا انجام موارد نقض شدید دیگر قوانین بین‌المللی، حبس کرده باشد. عنصر مادی: یک یا چند زن بایستی به زور باردار شده باشند، گفتنی است که اولاً تلاش برای باردار کردن کافی نیست و این عمل حتماً بایستی به تحقق رسیده باشد و ثانیاً منظور از اجبار، لزوماً اجبار فیزیکی نیست بلکه حتی اگر در ظاهر، رابطه جنسی مبتنی بر رضایت بوده و زن در همان راه باردار شده باشد اما این رضایت، رضایتی واقعی نبوده باشد، این جرم محقق شده است. به علاوه، بزه دیده بایستی در طول دوران بارداری اش حبس شده باشد که البته آسیب قانونی این جرم نیز، همین حبس غیرقانونی در طول بارداری است. (Boon, 2001, 645) و همچنین قصد بزه‌کار مبتنی بر اثرگذاری بر ترکیب قومی و نژادی یا نقض فاحش قوانین بین‌المللی نیز الزامی است. عنصر معنوی: بزه‌کار بایستی قصد این را داشته باشد که یک یا چند زن را که به زور باردار شده‌اند، حبس نماید و از این که آن عمل منجر به حبس می‌شود، آگاهی داشته باشد. به علاوه، قصد تأثیر بر ترکیب یک قومیت یا نژاد و یا نقض شدید ارکان حقوق بین‌الملل نیز ضروری است. (Means of Proof, 2017, 71)

۴-۵- عقیم‌سازی اجباری^۲

در صورتی که مرتکب یک یا چند نفر را از توانایی تولید مثل بیولوژیکی به صورت دائمی محروم کرده باشد، این جرم تحقق می‌یابد. عنصر مادی: این عمل می‌بایستی که در ارتباط با معالجه پزشکی یا بیمارستانی شخص یا اشخاص و با رضایت واقعی آن‌ها انجام نشده باشد. (Means of Proof, 2017, 81) دولت چین در این خصوص پیشنهاد کرد که اقدامات کنترل مولید به عنوان اقدامات عقیم‌سازی اجباری که از سوی اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی جرم‌انگاری شده‌اند، تلقی نشوند؛ زیرا از نظر دولت چین این

^۱ forced pregnancy

^۲ forced sterilization

اقدامات اثر غیر دائم و کوتاه مدت دارند. این پیشنهاد مورد حمایت اسرائیل، یونان و مکزیک قرار گرفت و از سوی دیگر، هیأت های کانادا و آلمان آن را غیرموجه تلقی کردند که در پایان، بر سر اصطلاح " اثر دائم " توافق حاصل گردید. (کیتی چاپیساری، ۱۳۹۳ : ۵-۱۴۴) عنصر معنوی : مرتکب بایستی قصد داشته باشد که سبب محرومیت یک یا چند نفر، بدون توجه پزشکی از ظرفیت تولید مثل بیولوژیکی شود و نسبت به این موضوع که یک یا چند نفر در روند عادی این وقایع از توانایی تولید مثل بیولوژیک محروم خواهند شد، آگاهی داشته باشد. (Means of Proof, 2017, 81)

۴-۶- سایر خشونت های جنسی همسنگ با موارد پیش گفته

در این جرایم، مرتکب بایستی با اعمال زور، تهدید به زور یا اجبار، واداشتن به ترس از خشونت، بازداشت، ستم روانی، سوء استفاده از قدرت و با بهره گیری از یک فضای اجباری که در آن ارائه رضایت واقعی شخص ممکن نیست، شخص یا اشخاصی را وادار به اعمالی همراه با ماهیت جنسی نماید. این اعمال محدود به تهاجم جنسی به بدن انسان نمی شوند و ممکن است متضمن اعمالی باشند که در آن دخول یا حتی تماس فیزیکی وجود نداشته باشد. دارا بودن ماهیت جنسی در این جرم، اجبار و عدم رضایت از ارکان اصلی به شمار می آید. عنصر مادی: مرتکب سبب شود که شخص یا اشخاصی به ارتکاب عملی از نوع جنسی دست زده باشند و این اعمال در شرایط قهرآمیز رخ داده باشد. عنصر معنوی: شخص مرتکب بایستی قصد داشته باشد که شخص یا اشخاصی را وادار به ارتکاب اعمالی با ماهیت جنسی یا تحریک شخص یا اشخاصی در عمل جنسی نماید. همچنین، مرتکب باید آگاهی داشته باشد عمل همراه با ماهیت جنسی سبب می شود که شخص یا اشخاصی در روند عادی این وقایع دست به اقدام جنسی بزنند. (پورهاشمی و چوبین، ۱۴۰۰: ۱۱۹)

۵- جرم انگاری جرایم جنسی در قالب جنایات جنگی

در واقع هدف از خشونت جنسی در جنگ ها ایجاد نفرت میان مردم غیرنظامی و از بین بردن ثبات مناسبات زندگی است. به بیان دیگر، تجاوزهای جنسی در جنگ ها، تاکتیکی جنگی است با این هدف که زندگی مسالمت آمیز ملیت های مختلف و گروه های انسانی ساکن یک منطقه را در طولانی مدت با بی ثباتی و از هم پاشیدگی مواجه کند. (آقای و مرادی، ۱۳۹۷: ۱۲۴) جرایم جنسی که فرد اجلائی آن تجاوز می باشد از جمله جرایم مورد اهتمام جامعه جهانی در طول تاریخ عدالت کیفری بوده است. به خصوص آن که رفتارهای مجرمانه جنسی در بستر منازعات مسلحانه و جنگ ها، به مثابه یک سلاح مورد استفاده گسترده و نظام مند واقع شده و به پارکه ای جداناپذیر از جنگ ها تبدیل شده است. (رادمهر و ترشیزی، ۱۳۹۹: ۲) بر اساس ماده ۸ اساسنامه دیوان کیفری بین المللی تمامی مصادیق خشونت جنسی که در ذیل

جرایم علیه بشریت جرم‌انگاری شده اند دارای عنوان مجرمانه جنایت‌های جنگی نیز می‌باشند. علت این تکرار در ذیل عنوان جنایت‌های جنگی تفاوتی است که این دو عنوان مجرمانه از حیث عناصر تشکیل دهنده جرم با یکدیگر دارند. لذا ممکن است جرم خشونت جنسی در حالی که تحت عنوان جنایت علیه بشریت جرم انگاشته شده و مرتکب آن محکوم گردد هم‌زمان عنوان مجرمانه جنایت جنگی را نیز دارا بوده و مرتکب آن تحت این عنوان نیز محکوم گردد.

اگر جنایت‌های جنگی را به صورت مضیق تعریف کنیم شامل جنایت‌هایی می‌شود که در خلال جنگ علیه نظامیان ارتکاب می‌یابند، ولی اگر به صورت موسّع در نظر گرفته شود جنایت‌هایی را شامل می‌شود که در خلال جنگ علیه نظامیان یا غیرنظامیان صورت می‌گیرند. (اخگری بناب، ۱۳۸۸: ۱۹۹) به نظر می‌رسد با در نظر گرفتن ماده ۸ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی رم و ماده ۶ (b) اساسنامه دادگاه نورنبرگ سازگاری مفهوم موسّع جنایت‌های جنگی با اسناد بین‌المللی بیشتر است. بر اساس ماده ۶ (b) اساسنامه دادگاه نورنبرگ جنایت‌های جنگی عبارت‌اند از: "نقض قوانین و عرف‌های جنگ" بدون تردید جنایت علیه هر شخصی اعم از نظامی و غیرنظامی در خلال جنگ شامل نقض قوانین و عرف‌های جنگ خواهد شد.

همچنین براساس ماده ۸ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی جنایت‌های جنگی عبارت است از:

الف) نقض فاحش کنوانسیون‌های ژنو ۱۹۴۹

ب) دیگر نقض‌های فاحش قوانین و عرف‌های مسلم حقوق بین‌الملل و حاکم بر منازعات مسلحانه بین‌المللی

ج) در حالت وقوع نزاع مسلحانه غیربین‌المللی نقض فاحش ماده ۳ مشترک کنوانسیون‌های ژنو ۱۹۴۹ (اخگری بناب، ۱۳۸۸: ۱۹۹)

جنایات جنگی در مخاصمات مسلحانه بین‌المللی که در قسمت ب ماده ۸ (۲) اساسنامه رم فهرست شده‌اند، عبارتند از: سایر نقض‌های فاحش قوانین و عرف‌های داخل در چهارچوب پذیرفته‌شده حقوق بین‌الملل و حاکم بر منازعات مسلحانه بین‌المللی. (klamberg, 2017: 73)

با توجه به مشترک بودن عنصر مادی جرایم جنسی در هر سه جنایت نسل‌زدایی، جنایت علیه بشریت و جنایت جنگی تحلیل عنصر روانی مرتکب برای تشخیص نوع جنایت ضروری است. به عنوان نمونه شرایط وقوع جرم حاملگی اجباری که یکی از اشکال جرایم جنسی است را می‌توان چنین تحلیل کرد.

برای وقوع جنایت جنگی از طریق حاملگی اجباری، سه رکن باید اثبات شود که همانند جنایت علیه بشریت، رکن نخست مربوط به تعریف خود حاملگی اجباری و دو رکن دیگر از ارکان ویژه جنایت جنگی به شمار می‌رود. سه رکن یاد شده عبارت‌اند از: مرتکب یک یا بیش از یک زن را با هدف تأثیرگذاری بر

ترکیب قومی یک جمعیت یا ایجاد دیگر نقض های فاحش حقوق بین الملل، با توسل به زور و اجبار باردار و به طور غیرقانونی حبس نماید؛ دوم، عمل مرتکب باید در ضمن یک مخاصمه مسلحانه و یا مشارکت در آن انجام شده باشد؛ و سوم اینکه مرتکب از شرایط حقیقی که وجود یک مخاصمه مسلحانه را ایجاد کرده است، آگاه باشد. در اینجا ذکر این نکته مهم ضروری است که هرچند در عناصر اختصاصی جرایم، تنها زمانی که عمل مرتکب در ضمن یک مخاصمه مسلحانه غیربین‌المللی انجام شده باشد، می‌توان صحبت از جنایت جنگی از طریق حاملگی اجباری کرد ولی مقررات اساسنامه، جنایت جنگی از طریق حاملگی اجباری را در جریان یک مخاصمه مسلحانه بین‌المللی به صراحت تجویز می‌کند؛ به این نحو که اگر حاملگی اجباری در جریان یک مخاصمه مسلحانه بین‌المللی اتفاق افتد، مرتکب بر اساس ماده ۸ (۲، ب، ۲۲) مقررات اساسنامه به جنایت جنگی متهم می‌شود. در حالی که اگر جرم در قالب یک برنامه یا سیاست یا در قالب ارتکاب گسترده جنایت‌های یادشده و در جریان یک مخاصمه مسلحانه غیربین‌المللی ارتکاب یابد، مرتکب بر اساس ماده ۸ (۲، د، ۶) به جنایت جنگی از طریق حاملگی اجباری متهم خواهد شد. این حالت دوم همان است که در عناصر اختصاصی جرایم مقرر شده است. (صابر و میرمجیدی، ۱۳۹۲: ۱۱۲)

در مجموع باید گفت برای تعقیب موفقیت آمیز حاملگی اجباری به عنوان یک جنایت جنگی، دادستان باید بر یکی از دشواری‌های مشابه مربوط به رکن روانی، فائق آید؛ زیرا برای اثبات این جرم، دادستان تا حدودی با چالش‌های مشابهی که گفته شد، مواجه خواهد شد. اثبات این امر که مرتکب در ارتکاب حبس غیرقانونی، قصد واقعی اثرگذاری بر ترکیب قومی و یا ایجاد یک نقض فاحش حقوق بین‌الملل را داشته است یا خیر، یکی از این مشکلات است؛ زیرا در این صورت او با دشواری اثبات یک ذهنیت خاص روبرو می‌شود.

از منظر تحلیل سوء نیت خاص نیز برخلاف حاملگی اجباری به منزله یک جنایت علیه بشریت، قصد اثرگذاری بر ترکیب قومی یا ایجاد دیگر نقض های فاحش حقوق بین‌المللی، تنها سطح از سوءنیت است که دادستان باید برای حاملگی اجباری به منزله یک جنایت جنگی اثبات کند. به عبارت دیگر، علاوه بر این قصد (قصد اثرگذاری بر ترکیب قومی یا ایجاد دیگر نقض های فاحش بین‌الملل)، دیگر نیازی نیست مرتکب بخواهد که رفتار او به طور مستقیم به منزله بخشی از یک مخاصمه بین‌المللی یا غیر بین‌المللی باشد، بلکه تنها کافی است دادستان اثبات کند مرتکب به روشنی از شرایط و اوضاع و احوال حقیقی که موجب پیدایش چنین مخاصمه مسلحانه‌ای شده، آگاه بوده است. علاوه بر این، اوست که باید نشان دهد یک مخاصمه مسلحانه، خواه در قلمرو بین‌المللی، خواه غیر بین‌المللی، اتفاق افتاده است. از این رو، گفته می‌شود تعقیب حاملگی اجباری برای دادستان به منزله یک جنایت جنگی، به مراتب آسان‌تر از تعقیب آن به منزله جنایت علیه بشریت است؛ زیرا دیگر مجبور به اثبات سطح‌های چندگانه قصد نخواهد بود و

تنها باید رکن مادی حاملگی اجباری و یک سطح از رکن قصد (خاص خود جنایت جنگی) را اثبات کند.
(صابر و میرمجیدی، ۱۳۹۲: ۱۱۳)

نتیجه

ارتکاب جرایم جنسی در جنگ‌ها، تاکتیکی جنگی است با این هدف که زندگی مسالمت‌آمیز ملیت‌های مختلف و گروه‌های انسانی ساکن یک منطقه را در طولانی مدت با بی‌ثباتی و ازهم پاشیدگی مواجه کند. دیوان کیفری بین‌المللی سه دسته مهم از جرایم را ذیل عناوین نسل‌زدایی، جنایت علیه بشریت و جنایت جنگی مورد جرم‌انگاری قرار داده است. اساسنامه رم در مواد ۶، ۷ و ۸ به ترتیب به این جرایم می‌پردازد. در هر سه مورد از این جنایات، جرایم جنسی به عنوان یکی از صور مختلف عنصر مادی لازم برای تحقق جرم، مورد اشاره قرار گرفته است. علت این تکرار در ذیل عنوان جنایت‌های جنگی تفاوتی است که عناصر تشکیل‌دهنده این جرم زمانی که به عنوان جنایت جنگی ارتکاب می‌یابد با دیگر جرایم (نسل‌زدایی و جنایت علیه بشریت) دارد. لذا ممکن است جرم خشونت جنسی در حالی که تحت عنوان جنایت علیه بشریت جرم انگاشته شده و مرتکب آن محکوم گردد هم‌زمان عنوان مجرمانه جنایت جنگی را نیز دارا بوده و مرتکب آن تحت این عنوان نیز محکوم شود. می‌توان گفت برای آن که بتوان مرتکب جرایم جنسی را ذیل عنوان جنایت جنگی توسط دیوان کیفری بین‌المللی تحت تعقیب قرار داد، علاوه بر اثبات ارتکاب عنصر مادی تشکیل‌دهنده توسط مرتکب، باید دادستان ثابت نماید که این اقدام در ضمن یک مخاصمه مسلحانه و یا مشارکت در آن انجام شده و مرتکب از نظر عنصر روانی از شرایط حقیقی که وجود یک مخاصمه مسلحانه را ایجاد نموده، آگاه بوده است.

منابع

- ممتاز، جمشید و رنجبریان، امیرحسین، (۱۳۸۷)، *حقوق بین الملل بشردوستانه (مخاصمات مسلحانه داخلی)*، چاپ سوم، نشر میزان، تهران.
- ضیایی بیگدلی، محمدرضا، (۱۳۸۰)، *حقوق جنگ (حقوق بین الملل مخاصمات مسلحانه)*، چاپ دوم، انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی، تهران.
- کیتی چایساری، کریانگ ساک، (۱۳۸۶)، *حقوق کیفری بین المللی*، ترجمه حسین آقایی جنت مکان، چاپ سوم، نشر جنگل، تهران.
- احمدنیا، حامد و احمدنیا، زهرا، (۱۴۰۰)، "سیر تکاملی جرم انگاری جنایات جنگی در اساسنامه پنج دادگاه کیفری بین المللی"، فصلنامه فقه جزای تطبیقی، دوره اول، شماره اول، بهار ۱۴۰۰
- قدیر، محسن و کیخسروی، مهدی، (۱۳۹۸)، "جنایات جنگی و برهم کنش آن با جنایات علیه بشریت و نسل کشی"، آموزه های حقوق کیفری، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، دوره شانزدهم، شماره ۱۷، بهار- تابستان ۱۳۹۸
- پورهاشمی، عباس و چوبین، سحر، (۱۴۰۰)، "جایگاه جنایات جنسی در محاکم کیفری بین المللی"، دوفصلنامه تمدن حقوقی، دوره ۴، شماره ۸، بهار و تابستان ۱۴۰۰
- اخگری بناب، نادر، (۱۳۸۸)، "جرم انگاری خشونت جنسی در اساسنامه دیوان کیفری بین المللی"، حقوق اسلامی، سال ششم، شماره ۲۳، زمستان ۱۳۸۸
- کیتی چایساری، کریانگ ساک، (۱۳۹۳)، *حقوق کیفری بین المللی*، ترجمه دکتر حسین آقایی جنت مکان، چاپ چهارم، تهران، انتشارات جنگل
- خاک، روناک، (۱۳۸۷)، "جرم انگاری خشونت جنسی در حقوق بین الملل کیفری، مجله حقوقی بین المللی"، سال ۲۵، شماره ۳۹، ۱۴۶-۱۰۱
- صابر، محمود و میرمجیدی هشبجین، سپیده، (۱۳۹۲)، "بررسی تطبیقی جرم انگاری حاملگی اجباری در دادگاه یوگسلاوی، رواندا و دیوان کیفری بین المللی؛ حمایت از جنسیت یا دیگر ارزش های موضوع حقوق بین الملل"، مطالعات حقوق تطبیقی، دوره ۴، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۲

- آقای، سید داوود و مرادی، هدی، (۱۳۹۷)، "ساز و کارهای واکنشی شورای امنیت به تجاوز جنسی در روند درگیری های مسلحانه (با تاکید بر قطعنامه های ۱۳۲۵ و ۱۸۲۰ شورای امنیت)", فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان و خانواده، دوره ۲۱، شماره ۸۲، ۱۱۷-۱۳۳
- رادمهر، فرزانه و ترشیزی، لیلا، (۱۳۹۹)، "جرایم علیه زنان در حقوق کیفری بین المللی"، مجله علمی فقه، حقوق و علوم جزا، سال ۵، شماره ۱۵، بهار ۱۳۹۹

منابع انگلیسی

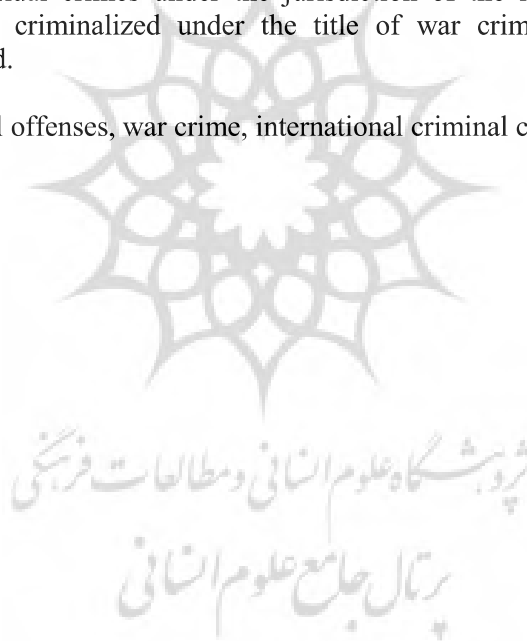
- Means of Proof (Sexual & Gender-Based Violence Crimes), Centre for International Law Research and Policy, Case Matrix Network, 2017
- Belcheva, Simona, "Pandemic Overview: Migration Problems in the European Union", CFILE Journal of International Law, Journal Vol. 2, No. 3, 2021.
- Klamberg, Mark, Commentary on the law of the International Criminal Court, Torkel Opsahl Academic EPublisher, Brussels, 2017

Conditions for the Realization of War Crime by Committing Sexual Offenses

Abstract

The International Criminal Court has criminalized three major crimes under the headings of genocide, crimes against humanity, and war crimes in the Rome statute. Sexual crimes are mentioned as one of the material elements that can be committed in all three crimes. Rape, sexual slavery, forced pregnancy, forced sterilization, enforced prostitution, and any form of violence equaling to them are different forms of sexual crimes in the Rome statute. War crimes are crimes committed in the armed conflicts against international humanitarian law. According to these rights, the three principles of necessity, humanity, and merit should prevail in the behavior of those who are involved in the conflict. In this research, an attempt is made to investigate the conditions that are necessary for the realization of sexual crimes under the jurisdiction of the international criminal court which are criminalized under the title of war crimes with descriptive-analytical method.

Keyword: sexual offenses, war crime, international criminal court.





پروہشکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی